



تجلیل از روایان نهضت امام حسین (ع)

#

گروه ادب و هنر | قرار است در مراسم افتتاحیه اکران فیلم «رستاخیز» ساخته احمدرضا درویش از شش هنرمند فعال راوی نهضت امام حسین(ع) در عرصه‌های مختلف هنری تجلیل شود. در این برنامه که دوشنبه ۲۲ تیر در محل باغ‌موزه دفاع مقدس برگزار می‌شود، از داود فتعلی بیگی پژوهشگر تفریه و نمایش‌های آیینی و سنتی، کرملی شیرازی خوشنویس، محمدرضا سنگری نویسنده در حوزه ادبیات عاشورایی، حسین فدایی‌حسین نویسنده و کارگردان نمایش‌های عاشورایی، شهرام اسدی و احمدرضا درویش کارگردان فیلم‌هایی با موضوع نهضت سیدالشهدا(ع) تجلیل می‌شود. «رستاخیز» از عید فطر در سرگروهی سینما آزادی اکران می‌شود.

یادداشت

نگاهی به رمان «شهری، گم‌شده زیر رمل‌ها» نوشته طلا نژادحسن

تأثیر رخداد بیرونی بر سرنوشت شخصیت

«ادبیات جامعه را باز می‌تاباند و حقایق مربوط به تعاملات اجتماعی را آشکار می‌کند.»

کارل مارکس

رمان «شهری، گم‌شده زیر رمل‌ها» اثر جدید طلا نژادحسن همچون رمان قبلی‌اش به مشکلات لایه‌های مختلف اجتماعی در بستر تاریخ توجه دارد. نویسنده با تمرکز بر اتفاقات حال کنونی داستانی در دهه هشتاد، و با بازگشت به رویدادی تاریخی در ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ به تأثیر رخداد‌های تاریخی بر زندگی و سرنوشت عشقی شخصیت‌هایی چون مه‌تاج و خسرو اشاره دارد. نویسنده برای بیان مضمون داستانی‌اش، از شیوه و المان‌های پست‌مدرن سود می‌برد، به همین دلیل تعداد روایان (زایه‌دید) در امر روایت و استفاده از عدم توالی خط زمانی در کنار طنز کلامی- موقعیتی و همچنین مخاطب قرار دادن خواننده توسط راوی- نویسنده و سودجویی از شیوه نامه‌نگاری و شکستن نثر معیار، از راهکارهایی است که طلا نژادحسن برای بیان درونمایه رمانش سود می‌جوید.

نویسنده با محوریت قرار دادن خانواده‌های جنوبی نه‌تنها از جنگ و تأثیر مخرب و جنبه‌های بیرونی- درونی آن بر خانوادۀ مه‌تاج و کوچ او به تهران و ناکامی‌هایش می‌گوید بلکه با تکرار و واقعه ۲۸ مرداد، از بازتاب رخداد بیرونی بر ذهنیت شخصیت‌ها و روند شکل‌گیری هویتی آنان و محوریت‌های عاطفی-روانی آن صحبت می‌کند؛ تا بگوید چگونه مرگ پدری در ماجرای مبارزاتی مصدق می‌تواند بر سرنوشت بیرونی و حتی درونی شخصیتی چون خسرو تأثیر بگذارد و مانع رسیدن به عشق و زندگی آرامش شود. چطور مه‌تاج ناخواسته در تظاهرات خیابانی مبدل به قهرمان می‌شود و غیبت شهاب از خانه به دلیل به تنگ‌آمدگی از وضعیت موجود، از او مبارزی سیاسی می‌سازد. به همین دلیل است که کارل مارکس معتقد است «این آگاهی انسان نیست که زندگی‌اش را تعیین می‌کند بلکه زندگی اجتماعی او است که هویتش را شکل می‌دهد و آگاهی‌اش را تعیین می‌کند.» طلا نژادحسن در رمان «شهری گم‌شده زیر رمل‌ها» نه‌تنها در متن بلکه در نام استعاره‌ای اثر نشان می‌دهد که چگونه جبر تاریخی بر زندگی انسان تسلط دارد و چگونه می‌شود که نام پدر چون «مرد آزما»ی قصه‌های مادر بزرگ همیشه بیخ مغز او را می‌گیرد و راهی سرنوشتی می‌کند که از آن راه نجاتی ندارد. خسرویی که به دلیل مرگ پدر و ترک مادر به‌سۀ خانواده مه‌تاج آورده می‌شود؛ خانواده‌ای که در آن مادر مه‌تاج مدام به او سرکوفت می‌زند و همین سرکوفت‌ها و جو آزارآمیز خانه و دعوی‌های زن‌عمو، او را به سوی لب شط و نوشتن سوق می‌دهد تا در آغاز جنگ به خط بیوندد و با دو پای قطع‌شده در آسایشگاه به‌عنوان قهرمان فراموش‌شده،

روزگار را به امید دوباره دیدن مه‌تاج و مروری و فاسی‌مادر و زخم‌زبان‌های زن‌عمو سپری کند. خسرویی که در روند تبدیل شدن و بزرگ شدن جسمانی- عقلانی مانند عامل نقش‌پذیر همواره در بستر ایدئولوژی و تحت تأثیر هژمونی غالب (نگاه و ذهنیت غالب) به نقش فراگیرش خوانده می‌شود و به آن تن در می‌دهد. اما آنچه در رمان «شهری گمشده زیر رمل‌ها» قابل بحث است، همسویی بین فرم و محتوای داستانی است. همان‌طور که گفته شد نویسنده از المان‌های سبک پست‌مدرن برای امر قطعی و مستندشده تاریخی- اجتماعی بهره می‌برد تا به سرنوشت مختم شخصیت‌های داستانی در بستر زمان برسد. آنچه در متون پست‌مدرن رکن اصلی محسوب می‌شود، بیان نسبی گرابی و عدم قطعیت است که در این متن (به جزء اشاره مستقیم راوی دانای کل در روایت دکتر به صورت خیلی کوتاه و مبهم) اثری از آن دیده نمی‌شود. نویسندگان پست‌مدرن برای آن که دانای کل داستان‌های کلاسیک را به چالش بکشند، از پروسه نگارش و حضور نویسنده-راوی و مخاطب قرار دادن خواننده سود می‌جویند تا بدین‌شکل ساختار شکستی درباره دانا و همه‌چیزدان بودن زایه‌دید دانای کل داشته باشند، از این روی است که نثر را باطنز ادغام می‌کنند. اما آنچه در اثر مذکور نمایان است اشراف کامل راوی به رخداد در فصل آغازین اثر است، جالب آن که این راوی طنزپرداز گاه حضوری پیگیر دارد و گاه کاملاً فراموش می‌شود.

به هر روی گرچه شیوه به کار گرفته‌شده تناسبی بین فرم و محتوا ایجاد نمی‌کند ولی استفاده نویسنده از ضرب‌المثل‌ها و اشعار جنوبی همچنین طنز کلامی باعث خو شیخوانی اثر شده است. در انتها باید از توانایی نویسنده در بیان ذهنیت سیال گونه مه‌تاج در فصل‌های ابتدایی یاد کرد که با کمک رنگ، بو، دوری و نزدیکی صداها توانسته به خوبی از پس بیان آن برآید.

سینما

بازگشت «فلینی» به سینما



گروه ادب و هنر | فیلم «زندگی شیرین» ساخته فدریکو فلینی یک‌بار دیگر ساخته خواهد شد. این خبر را گروه ایتالیایی AMBI داده که صاحب‌امتیاز آثار فلینی است. آنها قرار است نسخه‌ای مدرن از این اثر سینمایی بسازند و این کار را هم روسای گروه AMBI، مینیسکا باکاردی و آندره ایرولینو اعلام کردند، در مشارکت با دانیل دی‌لورنسنز و انجام می‌شود. فرانچسکو فلینی، برادرزاده فدریکو فلینی با اشاره به اینکه خانواده فلینی در گذشته بارها برای ساختن این فیلم تلاش کرده‌اند، گفت: «دانیل، آندره و مونیکا دیدگاه زیبایی درباره فیلم مدرن دارند. آنها میراث ایتالیا را در نظر می‌گیرند و در عین حال درک عمیقی از کارهای عمومی من دارند. این گروه بهترین گزینه برای انجام این کار است.» «زندگی شیرین» داستان یک هفته از زندگی یک روزنامه‌نگار روزنامه‌های شایعه‌پرداز را در رم به تصویر می‌کشد. این فیلم با بازی مارچلو ماسترویانی، آنتیا ابرگ و والتر سانتسو جایزه نخل طلای جشنواره کن در سال ۱۹۶۰ را از آن خود کرد. این فیلم در مراسم آکادمی اسکار نیز در چهار رشته نامزد دریافت جایزه شد و جایزه اسکار بهترین طراحی لباس را دریافت کرد. یکی از نکات قابل توجه درباره این فیلم، حضور شخصیتی با نام پاپاراتزو با بازی والتر سانتسو بود. پس از به نمایش درآمدن این فیلم، پاپاراتزی واژه مترادف عکاسانی شد، که کارشان تهیه عکس‌های جالب از چهره‌های سرشناس دنیا، به‌خصوص ورزشکاران و هنرمندان است.

حجت‌الله ایوبی سیاست‌های اکران «هنر و تجربه» را تشریح کرد

جایی برای اکران فیلم‌های ضعیف نیست

گروه ادب و هنر | گروه سینمایی «هنر و تجربه» مجالی بود تا بسیاری از فیلم‌ها اکرائی محدود داشته باشند. اینکاری که عملی شدنش به دوره حجت‌الله ایوبی، رئیس سازمان سینمایی بازمی‌گردد. ایوبی به خبرگزاری مهر رفته و به سوالاتی درباره این گروه سینمایی پاسخ داده است. او از فراز و فرودهایی که در راه این گروه سینمایی داشته، گفته و از کمکی که این گروه سینمایی به گردش مالی در سینما کرده خبر و ادامه داده است: «این گروه کمک‌حال گردش مالی در سینمای ایران است، چراکه اکران در این گروه سینمایی بیشتر شد و در عین حال فیلم‌های ارزشمند سینمای ایران که از جهاتی معرف بخش فریخته سینمای ایران

است، در این گروه سینمایی مورد ارزیابی قرار گرفت.» او گفته این خطر هم وجود دارد که این گروه سینمایی به محفلی برای فیلم‌هایی که شانسی در اکران عمومی ندارند، تبدیل شود اما در ادامه هم اضافه کرده: «این گروه سینمایی جایی برای اکران فیلم‌های ضعیف نیست. بنابراین فیلم‌هایی که تجربه‌های جدید به سینما اضافه می‌کنند و در عین حال هنری هستند، در این گروه سینمایی جا دارند.» رئیس سازمان سینمایی از ساخت فیلم‌هایی درباره دفاع مقدس هم استقبال کرده و معتقد است: «چقدر خوب می‌شد فیلم‌سازی مثل شهرام مکرری با نگاه ویژه‌ای که به سینما دارد، فیلم دفاع مقدس بسازد که در این صورت مطمئن هستم



گفت‌وگو با حامد امرایی کارگردان فیلم «یاسین» هیچ نقشی در فیلمنامه‌نداشتم

عکس: سیدوحید حسینی / فرهنگستان

بگریه تا خیلی از دوستان دیگر نسبت به سینمایی که اصطلاحاً ارزشی است تغییر کرده است. یعنی اگر در سینمای ایران به کسی لقب فیلمساز ارزشی بدهند انگار صفت بدی به او داده‌اند. ولی سینمای دینی یا دغدغه‌دار در مملکت ما به‌خصوص در چند سال اخیر خیلی با استقبال روبه‌رو شده است؛ چه از طرف مسئولان در بخش حمایت از تولید و چه از لحاظ اکران. خود همیشه دغدغه سینمای اجتماعی داشته‌ام و دارم و در ترجیح می‌دهم در فیلم بعدی فضای ملتهب‌تر، شهری‌تر و اجتماعی‌تر داشته باشم.

از حرف‌های شما پیداست که سینمای دینی جزء دغدغه‌های شما نبوده، همین‌طور است؟

اگر نبود قطعاً وارد این پروژه نمی‌شدم و این فیلم را نمی‌ساختم، هرچند که فیلمنامه دیگری

داشت. ولی حتی این فیلم هم می‌تواند به نوع دیگری از سینمای اجتماعی باشد چون مسائل رانت‌خواری و یک‌سری سوءاستفاده‌های غیراخلاقی از مسائل دینی در جامعه اسلامی و دینی را مطرح می‌کنند. اینها بحث‌های اجتماعی است و ما پس‌زمینه‌ای دینی و قرآنی به آنها داده‌ام تا محمود به واسطه یاسین به اصل موضوع برگرود.

قبول دارید قدم محکمی برای ساخت اولین فیلم تان برداشته‌اید، البته به لحاظ فروش نمی‌گوییم بلکه فیلمنامه و فیلمنامه‌های پراکنده مدنظر است.

فیلمنامه کار را من ننوشتم، حتی یک کلمه از آن برای من نیست، این را به صراحت قبول دارید؟

تازه‌نفس‌ها



خوشبختانه در دو سه سال اخیر به خاطر ورود یک نسل نوپا و جدید و خلاق فیلم اولی به سینمای ایران به نظر من یک سری از تابوها و قواعد کهنه و کلاسیک شکسته شده است و الان اعتماد بازگران مطرح و اساتید در فیلم اولی‌ها با جرات بگویم نسبت به فیلمسازان قدیمی‌تر بیشتر شده است به دلیل اینکه بازگران متوجه شده‌اند که فیلمسازان جوان با یک فکر نو و به‌روزتر وارد سینمای ایران می‌شوند نوع نگاهشان خیلی پویاتر است و در واقع اجازه خلافتی در پروژه‌ها بیشتر وجود دارد و مستندانش را داریم می‌بینیم، اگر به فیلم‌های کار اولی در دهه سسه سال گذشته نگاه کنیم بیش از ۷۰ درصد بازگران مطرح ما با آراش خاطر در کارهای فیلمسازان جوان بازی می‌کنند. در فیلم یاسین از همان اول که فیلمنامه در حال نوشتن بود به فرخ‌نژاد فکر می‌کردم و خدا را شکر می‌کنم که این اتفاق افتاد و این همکاری شکل گرفت.

مهربانو ابیدی دوست
m1.abadidost@fdn.ir

هم‌زمان با ماه مبارک رمضان یکی از فیلم‌های سینمای ایران با تم قرآنی و دینی در سینماهای سراسر کشور اکران شد. اما این فیلم که از اتفاق اثری قابل‌تأمل است، در میان فیلم‌های کم‌دی مثل «هنگ عتبر»، «از رئیس جمهوری پاداش نگیرید» و «گینس» و وضعیت خوبی از لحاظ فروش پیدا نکرده و فروش آن از ۲۰ میلیون هنوز بالاتر نرفته است. «یاسین» اولین فیلم بلند حامد امرایی، کارگردان جوان سینمای ایران است که به تهیه‌کنندگی محسن علی‌اکبری ساخته شده است. حمید فرخ‌نژاد به همراه پرورش نظری در این فیلم خوش ساخت، بازی‌های خوبی دارند. حمید فرخ‌نژاد نقش پدر یاسین؛ قاری زنی در رانت‌خواری و بهره‌برداری مالی و معنوی به نفع خود دارد. اما یاسین از خانه پدری فرار می‌کند و محمود در مسیر یک سفر برای پیدا کردن پسرش قرار می‌گیرد که در این سفر اتفاقاتی می‌افتد. به مناسبت اکران فیلم «یاسین» با حامد امرایی به گفت‌وگو نشستیم.

آیا با توجه به مضمون فیلم‌تان، مایل بودید که در این زمان اکران شود یا...؟

نه، ما فیلم را بر این مبنا ساختیم که آن را در یک ماه مناسبتی اکران کنیم. این پیشنهادی بود که مدیران سینمایی به علی‌اکبری تهیه‌کننده فیلم دادند و آنها اعلام کردند فیلم با توجه به حداقل حال و هوایی که دارد در ماه رمضان اکران شود و اگر ما به سازمان سینمایی جواب منفی می‌دادیم، معلوم نبود چه وقتی نوبت اکران فیلم برسد. چون سینمای ایران برای اغلب تولیداتش معضل اکران دارد و این معضلی حل‌نشده‌ای است. اگر فیلم‌مان را اکران نمی‌کردیم، شاید حالا حالاها فیلم رنگ پرده نمی‌دیدم مثل همه آن فیلم‌هایی که پشت خط اکران هستند. به نظر من علی‌اکبری ریسک کرد و صلاح دید که به این پیشنهاد جواب مثبت بدهد.

شندیدیم مشغول ساخت دومین فیلم بلندتان هستید؟

فعلاً در حال نوشتن فیلمنامه هستم. فقط می‌توانم بگویم فیلمنامه این فیلم خیلی متفاوت‌تر از فضای فیلم یاسین و کاملاً اجتماعی و به‌روز است. فیلم فضای ملتهب اجتماعی را در خودش دارد.

در واقع پشیمان شدید از این که فیلم دینی، مذهبی ساختید؟

پشیمان که نه. شاید نوع نگاه، از مدیران

ادب و هنر

www.Farheekhtegan.ir

Sat | 11 Jul 2015 | vol.07 | No. 1705

شنبه ۲۰ تیر ۱۳۹۴ | ۲۴ رمضان ۱۴۳۶ | ۱۱ جولای ۲۰۱۵ | شماره ۱۷۰۵

ادبیات

میرصادقی بعد از عمل



گروه ادب و هنر | جمال میرصادقی هم داستان‌نویس است و هم به واسطه کتاب‌هایی که دارد، مستقیم و غیرمستقیم استاد داستان‌نویسی خیلی از جوان‌هایی است که دست به قلم شده‌اند. او این روزهایش را در بیمارستان گذرانده و خودش گفته هفت روز بستری بوده و یک عمل جراحی داشته است و حالا هم پزشک‌ها به او گفته‌اند که خطر رفع شده و از بیمارستان مرخص شده است. او تحت عمل جراحی روده قرار گرفته و این روزها در خانه به سر می‌برد. او متولد ۱۳۱۲ در تهران است و برای همین است که فضاهای تهران قدیم را به خوبی در داستان‌هایش به کار می‌گیرد. از او شده و دو کتاب «عناصر داستان» و «ادبیات داستانی‌اش مرجع‌های بسیار خوبی برای علاقه‌مندان به داستان‌نویسی است.

تلویزیون

احتمال بازی در نقش



گروه ادب و هنر | مهدی سلطانی که خودش را آماده می‌کند در نمایش «سعادت لزان مردمان تیر و روز» به صحنه رود، به تازگی بازی در یک سریال ۱۱۰ قسمتی را هم تجربه کرده است. او در این سریال نقش یک مأمور عالی‌رتبه امنیتی زمان قبل از انقلاب را بازی می‌کند. سریال «کیما» که کارگردانی جواد افشار در سه زمان روایت می‌شود؛ پیش از انقلاب، جنگ و زمان معاصر را نشان می‌دهد. مهرابه شریفی‌نیا نقش اصلی این سریال را به عهده دارد. با اینکه بازی سلطانی تا سعادت تمام شده کارگردان پیشنهاد کرده نقش برادر بزرگ‌تر خودش را هم بازی کند و سلطانی هم مشغول بالا و پایین کردن برنامه‌اش است تا بتواند این نقش را بازی کند. البته هنوز شرایط بازی او درباره‌اش در سریال «کیما» فراهم نشده است.

تئاتر

جیمزباند در حسرت تئاتر



گروه ادب و هنر | همه نقشه‌ها برای به صحنه آوردن مامور ۰۰۷ تئاتر نقش برآب شده و آنگاهی که آرزو داشتند او را در تئاتر ببینند با خبری از طرف صاحب‌امتیاز آثار «جیمزباند» مواجه شدند که کمپانی MGM و Danjaq مجوزی برای تولید این تئاتر موزیکال صادر نکرده و ارائه هر گونه مجوزی برای تولید و اجرای تئاتر موزیکال «جیمزباند» به کارگردانی مری سالترمن دختر تهیه‌کننده بنام فیلم‌های «جیمزباند» را تکذیب کرده است.

قرار بود این اثر سال ۲۰۱۷ در تئاتر برادوی نیویورک یا لاس‌وگاس به صحنه برود. این دو کمپانی در صفحه فیسبوک «۰۰۷» اعلام کردند هیچ مجوزی برای ساخت تئاتر موزیکال جاسوس ویژه انگلیسی به سالترمن است و در ادامه هم نوشته: «برای حفظ حق کپی‌رایت آثار «جیمزباند» با یکدیگر همکاری دارند و اجرای تئاتر «جیمزباند» بدون اجازه آنها امکان‌پذیر نخواهد بود.»

پدر بزرگ که در فیلم می‌بینید محصول کار ایشان است. در تعویض دولت‌ها همه این اتفاقات پیش آمد. چیزی که در دولت قبلی تصویب شده بود، در دولت جدید نامدیران دوستان مستقر شدند و تا بخشنامه‌های جدید آمد مادر بلا تکلیفی بودیم و همچنین دست‌اندازهای مالی به فیلم ما آسیب زد. به هر حال کمبود بودجه داشتیم و این مساله باعث شد که فیلمنامه را جمع و جورتر کنیم و یک‌سری نقش‌ها جرح و تعدیل شد. مثلاً نقش رضا توکلی در این فیلم خیلی کوتاه شد و در زمان تولید حمایتی صورت نگرفت.

پسری که نقش یاسین را بازی می‌کند در نقشش بسیار باورپذیر است. این بازیگر را چطور انتخاب کردید؟

برای انتخاب نقش پسر دوست داشتیم از بچه‌هایی استفاده کنیم که واقعا حافظ وقاری قرآن باشند. شاید بتوانم بگویم دستیارانم از ۲۰۰، ۳۰۰ نفر از این بچه‌ها تست گرفتند. مساعلا و بهر بحث قرآن دوست داشتیم آن فرد توانایی بازی جلوی دوربین را هم داشته باشد که در بین این بچه‌ها پیدا نکردیم. این بچه‌ها در مسائل قرآنی خیلی خوش صدا و هوشمند بودند ولی خوب شاید به درد بازی جلوی دوربین نمی‌خوردند. ما به این شخصیت رسیدیم که هم به لحاظ ظاهر و چهره و معصومیت و هم به لحاظ آرامش درونی که در وجودش است مورد قبول بود.

و چرا نقشش را مقادری بیشتر نکردید؟

محدود روایت ما پدر است، یعنی ما از زاویه پدر پدر همراه می‌شویم به دلیل این که با پدری روبه‌رو هستیم که دچار یک نوع بی‌اخلاقی در زندگی‌اش شده است و از اصل خود و اخلاق حرفه‌ای به نوعی دور شده است. ما می‌خواستیم ناخواسته این فرد را در مسیر یک سفر قرار دهیم که این سفر به بهانه یاسین اتفاق می‌افتد. فرار یاسین از خانه یک نوع طغیان محسوب می‌شود و در واقع برای ما مهم بود که پدر در مسیر این سفر قرار بگیرد و حالا یک سیرری را طی بکند. به لحاظ کمیت، حجم سکانس‌های پدر و یاسین را کمتر کردیم چون با پدر همراه باشیم، زیرا یاسین تکلیفش مشخص بود و به لحاظ کاراکتری و سن و سال و جایگاه خاصی که داشت خیلی مشخص بود که دغدغه‌اش نمی‌تواند داشته باشد و تنها دغدغه‌اش این است که پدرش دارد از موقعیتش سوءاستفاده می‌کند و او متوجه شده است و در اول فیلم هم می‌گوید این کارها اشکال دارد یا نه. یک جورهایی دارد از اذیت می‌شود که پدرش مرتب او را از این مجلس به آن مجلس می‌برد صرفاً برای فخر فرودستی و زویندهای پشت پرده. این پسر رنج می‌کشد و فرار و طغیانش یک حرکت نمادین است. ما دوست داشتیم با پدر همراه باشیم تا با این سیر روبه‌رو شویم.

حرف شما در دست که محمود (فرخ‌نژاد) نقش اصلی را بازی می‌کنند ولی می‌توانستید تعلیق‌های زیادی را برایش ایجاد کنید.

به دلیل مشکلات مالی مجبور شدیم بعضی از سکانس‌ها را حذف کنیم مثلاً سحر دختر محمود خودش در فیلم قصه‌ای داشت، دختری بود که از تناقض‌هایی که در خانه می‌دید دچار یک‌سری تعارض‌ها می‌شد و در فیلم ما این‌طوردی برای خودش داشت که ما مجبور شدیم آن را حذف کنیم. داستانک‌ها در فیلم بیشتر از این بود. متأسفانه به دلیل دست‌انداز مالی که در فیلم پیش آمد مجبور شدیم بعضی از سکانس‌ها را کم‌نگرتر و کم‌حجم‌تر کنیم چه بسا می‌توانست از نسخه اولیه بهتر باشد.